



احمد غلامی

با خواندن رمان «من ببر نیستم پیچیده به بالای خود تاکم» کارم به بیمارستان کشید و بستری شدم.البته شوخی می‌کنم. این را روزنامه‌نگاران ناقلا از خودشان درآوردند که فلاتی بعد از خواندن این کتاب بود که کارش به بیمارستان کشید، و گرنه ما که ارادتمان را به جناب صفدری با اهدای جایزه نویسندگان و منتقدان مطبوعات سال ۸۱ نشان دادیم. کتاب «سنگ و سایه» تازه درآمده است. به کسی توصیه نمی‌کنم آن را بخرد و بخواند و به من فحش بدهد که فلاتی هم عجب سلیقه‌ای دارد. توصیه هم نمی‌کنم که این کتاب را نخواند و بعد برود بخواند. آیا فلاتی کتابی به این زیبایی را خوانده و سوادش قد نداده آن را معرفی کند. مثلاً از کسانی که هرگز این کتاب را به او توصیه نمی‌کنم، نویسنده «شاخ»، پیمان هوشمندنژاده است که بالای صد صفحه نمی‌نویسد و سخت هم می‌خواند. اینها دردرس‌های سروکلف‌زدن با جناب صفدری و داستان‌هایش است. بزخی برایت درست می‌کند که بیا و ببین و دست‌آخر همه همان تصمیمی را می‌گیرند که من گرفتم: «آقا من با کتاب سنگ و سایه حال کردم، دوست‌داری بخون، دوست نداری نخون.» از شوخی گذشته، «سنگ و سایه» داستان حیرت‌انگیزی است. نمی‌دانم این فضاها چه‌جوری توی سر جناب صفدری شکل می‌گیرد. این فضاها آنقدر عجیب‌اند که خواننده نمی‌تواند باور کند چنین فضاهایی را می‌شود ترسیم کرد. فضاهایی واقعی که به‌شدت انتزاعی شده‌اند. واقعی‌واقعی: رود، سنگ، درخت، قهوه‌خانه، ذره نمی‌دانم شاید با مفهوم غربی اکسپرسیونیسم بهتر بشود معنا کرد این فضای صردرد بومی شرقی را. حالا به این فضا که درک آن

ادامه از صفحه ۷

✎ **با این گفته، آن نظرهایی که معتقد هستند جلال آل‌احمد دو وجه زیستی اجتماعی و انسانی داشته؛ یکی زمانی که توده‌ای بوده و دیگری زمانی که از توده برگشته، رد می‌شود چون می‌گویند جلال در دوران حضورش در حزب هم آدمی بسیار مذهبی بود و همواره چنین عقایدی داشت.**

جلال عضو رسمی حزب‌توده بود. و این یعنی یک دوره از مبارزه ملی و آموزش‌های اولیه را در آموزشگاه‌های حزب گذرانده است. کسی نمی‌توانست عضو رسمی حزب باشد و این دوران را نگذرانده باشد. اما همان‌طور که گفتیم جلسه‌های حزبی تشکیل می‌شد ولی به دلایل سیاسی، حزب‌توده در راستای اهدافش مسایل مارکسیستی را مطرح نمی‌کرد و از همین طریق هم نتوانسته بود افرادی مثل جلال را به سمت خود بکشد. جلال از همان زمانی که شناختمش و از زمانی که عضو رسمی حزب شد همیشه تفکرات خود را داشت. البته بعد از چند سال کمی از مواضع سابق خود فاصله گرفته بود و این هم از تاثیرهای حزب و مطالعاتی بود که درباره سوسیالیسم داشت اما همچنان مذهبی بود من هیچ‌وقت ندیده‌ام مذهب را زیر پا بگذارند. یا به‌طور کلی مخالفتش باشد که حالا بخواد بعد از دوران حزب‌اش به عقایدش دوباره برگردد.
جلال بصیرت جلال آل‌احمد تا چه اندازه سیاسی بود؟ یعنی آن زمان که هنوز به حزب نیامده بود واقعا چقدر آدم سیاسی‌ای بود؟

جلال بسیار سیاسی بود اصلا اگر نبود که انتخابش نمی‌کردم. من و کیانوری می‌رفتیم و جوانانی که تپ‌وتاپ سیاسی داشتند و دست به قلم هم بودند را شناسایی می‌کردیم و به حزب می‌بردیم و تا آن موقع آدمی مثل جلال ندیده بودیم.او سرش بسیار داغ بود مانند امیرحسین جهانگیرلو که او را هم من معرفی کردم. بهترین افراد آن موقع حزب افرادی بودند که من و کیانوری آنها را جذب کردیم.

✎ **آقای دکتر شما به‌عنوان سرگروه جلال در حزب، پس از پیوستن او به تشکیلات چه مسوولیتی را به او دادید؟ برخی گفته‌اند او برای حزب نامه کتابت می‌کرد.**

یک زمانی بله، اما خیلی کوتاه چون نشرش خوب بود. اما جذب افراد هم چون محیط فعالیت عملی و خیابانی نبود از طریق تئوریک انجام می‌شد و برایشان «دیالکتیک طبیعت تاریخ» استالین خواندن یا «دیالکتیک طبیعت تاریخ»انور خالهای خواندن مهم نبود فقط باید آنها را جذب می‌کردیم. و ما هم از آل‌احمد برای همین کار یعنی گوینده و بیانگر چنین کتاب‌هایی استفاده می‌کردیم. بعدا که افراد اینها را می‌خواندند می‌رفتند در سازمان افسری یا دیگر زیرمجموعه‌های حزب فعال می‌شدند.

✎ **برخی بر این باورند که جلال آل‌احمد در راه‌اندازی «نیروی سوم» توسط خلیل ملکی تاثیر داشته است. واقعا تاثیر او تا این اندازه بود که کسی همچون خلیل ملکی به خواست و تحریک او نیروی سوم را راه‌اندازی کند؟**

اصلا اینطور نبود. ملکی یکی از تنورپسین‌های بزرگ مارکسیسم در ایران بود.امکان نداشت کسی حتی جرات کند که بخواد او را برای انجام امری چون «نیروی سوم» شارژ کند. اصلا اینطور نبود. او به‌واسطه رابطه خوب جلال با خودش برخی مسایل را به جلال می‌گفت و جلال هم پیشاپیش شاید آنها را به بعضی‌ها اعلام می‌کرد که شاید آنها فکر می‌کردند این امور زیر سر آل‌احمد است. ملکی در سال‌های ۱۳۱۲ در آلمان با اصول مارکسیسم آشنا شده بود، مثل ارانی و در کمیته مرکزی نام آنها به‌عنوان رهبر ثبت شده بود. چطور می‌شود یک رهبر از یک جوان مرید تاثیر بگیرد برای انجام یک کار بزرگ حزبی.

✎ **مهم‌ترین دلیل انتساب شما، ملکی و آل‌احمد و دیگران از حزب‌توده چه بود؟**
ببینید اساسا جذب‌شدن ما به عقاید و فعالیت سیاسی از انتشار مجله «دنیا» آغاز شد. ما با توجه به پیش‌زمینه‌هایی که از فرهنگ خود داشتیم، با عقاید مائزالیستی



روایتی از «سنگ و سایه» و «محراب سانتاماریا»

جناب صفدری و داستان‌هایش

سخت است، زبان خاص صفدری را هم اضافه کنید. داستان برای صفدری زبان است و پس، جهانی که او می‌آفریند در زبان شکل می‌گیرد. زبانی که کلیشه‌ها را می‌شکند و جهانی خلق می‌کند شعرگونه و حیرت‌انگیز. این زبان شعرگونه و حیرت‌انگیز، شبیه همان چیزی است که دلوز به آن می‌گوید «ریزوم»، یعنی حرکت‌های جلیبکی یا خزه‌ای. «سنگ و سایه» مثل جلیک‌های ته دریاست. ریشه‌هایش در آب بازی می‌کنند و هر یک معنا و رنگ خاص خود را دارند. اگر دنبال داستانی کلان و سرراستی در «سنگ و سایه» می‌گردید، انتظارِ تانِ برآورده نخواهد شد. اگرچه داستان هم دارد. اما داستان کلانِ چندان مهم نیست: «بازگشت سایه‌وار

نگارهٔ سایه‌وار

دو مرده به مکانیِ چون شهر سوخته و روایتِ تکه و پاره از زندگی آن منطقه و فضای آن، که چیزی فراچنگ‌تان نمی‌آید» آنچه در این کتاب معجزه‌گری می‌کند زبان است. کشفِ جهانی تازه و به‌شدت بومی در زبان که چون شعر سویه‌های دیگری هم دارد. و هم داستان را در سطح کلان آن روایت می‌کند و هم خودش به‌تنهایی دارای معناگرفتگی و معنادهی مستقل است. اگرچه هر بردن بخشی از این جمله‌ها از پیکره متن، اندیشه نهان آن را تقلیل می‌دهد، اما از سر ناچاری چند جمله‌ای می‌آورم:

«… چه آمدنی کردی! اگر نرفته بودی به دوردست‌ها،

امشب همچو آمدنی نمی‌کردی. تازه می‌فهمم که رفتن چیست.» یا «شولو گفت: داس بخوره به هر چه دست. دیگر به هیچ دستی امید نیست، نه راست نه چپ.»

و یا «… تازه نیست، بسیار کهنه است. در کهنگی بسیار تازگی می‌بینی و در تازگی بسیار کهنگی»

این دیالوگ‌ها، جوری شعرِ زبان می‌شود، در متنی که

چند توصیه نابجا

جابه‌جا فضا و آدم‌هایش با زبان روایت می‌شوند. گاه آنها کودک هستند، گاه جوان و گاه پیر و گاه انکار در نمایشی تبدیل می‌شوند به سردار و سرخو، آدم‌هایی که دیگر خواب نمی‌بینند و دیگر هر آنچه می‌بینند خواب است چون مرده‌اند و مرده‌ها، خود خوانند. خوابی پر از کلبوس، کلبوس‌هایی از زشتی‌ها و پلیدی‌های انسان روی زمین و زیبایی‌های گذرایش. داستان «سنگ و سایه» شعری بلند است که بر زبان استوار است.



شده بود. پاتیلیم پر آب… گرد نخل سبز، سبزه سبز، زردی زیر گردنش! هرچه هست از همان است.»

چند توصیه نابجا

«ملاحضت نیکی» توی رشت به‌دنیا آمده و در تبریز کار و ادواج کرده است. زندگی در دو فرهنگ متضاد و متفاوت، طبیعت نرم‌خو و زیبای شمال و طبیعت سرد و به‌قول خودش شُخته تبریز. با باز به قول خودش شهر سرد و غریب تبریز. مجموعه داستان «محراب سانتاماریا» که ناشی هیچ جانیبتی برایم ندارد، اولین کتابی است که از او منتشر شده و هرچو تجربه در آن دیده می‌شود. از داستان‌های زن و شوهری رایج تا داستان‌های سیاسی. پیشینه بیشتری دارند و به این نتیجه رسیدند که بروند عقاید مارکسیسم و تحولات آن را دنبال کنند. و اصولی را که مارکس گفته و قبل و بعد او هم وجود داشته و خواهد داشت پیدا کنند و حالا این عقاید را با تحولات روز مورد بحث و تجدیدنظر و برداشت‌های متناسب با وضعیت قرار دهند. ملکی و بعدتر هم من این بحث‌ها را اولین‌بار در حزب راه انداختیم و بعد هم که انشعاب پیش آمد. من و ملکی می‌گفتیم شاید ما عقاید مشترکی با شوروی داشتیم اما ما هم بحث‌های خودمان و انتقادات خود را داشتیم و درباره کشور و وضعیت خودمان نظر داشتیم.

✎ **جلال آل‌احمد چطور آدمی بود؟ اگر بخواهید خاطره‌ای از او و شیوه رفتارش بگویید چه وجهی از شخصیت او مورد توجه شما یا دیگران بود؟**

جلال یک خرده تند بود. یکمرتبه به سرش می‌زد و دادوقال را می‌انداخت و شروع می‌کرد به پرخاش و می‌گفت که شما پدرسوخته‌ما ما را به حزب آورده‌اید و گول‌مان زده‌اید و کشیدید به این راه و حالا قرار است ما را طرد کنید. جویای نام بود و به همین‌خاطر با همه افراد ارتباط می‌گرفت. و خلاصه سر پرشوری داشت و تفکهای زیادی به حزب، شوروی هم هر جوانی را که اینطور می‌دید سعی می‌کرد شیره آن را به نفع خودش بکشد. و این کاری پرضرر بود. من جلال را بارها روشن کردم و گفتیم بفهم که یا اینها چطور رفتار کنی و البته چندان حرف گوش نداد. آخر آنها خودشان اربابی بودند آن دوران.

✎ **و آثار آل‌احمد، شما در دورانی که جلال می‌نوشت، همزمان آثار او را می‌خواندید؟ چقدر با او همسو بودید چه در زمان «مدیر مدرسه» و چه زمان «اربابین عامل امیرپالیس»؟**

بله می‌خواندم. او شاگرد خود من بود. هرچه نوشته است همان‌هایی است که خود من به او تحویل دادم. و بارها درباره آن با هم بحث کرده بودیم. جلال، نویسنده می‌گفت خودمان باید فکر کنیم

✎ **جلال یک خرده تند بود. یکمرتبه به سرش می‌زد و دادوقال راه می‌انداخت و شروع می‌کرد به پرخاش جویای نام بود و به همین‌خاطر با همه افراد ارتباط می‌گرفت. خلاصه سر پرشوری داشت جلال، نویسنده زیردستی بود و نثر بسیار خوبی دارد. پر از انتقاد بود و خودش فکرها و ایده‌های بسیاری داشت و مثل بسیاری از ما می‌گفت خودمان باید فکر کنیم**

بله می‌خواندم. او شاگرد خود من بود. هرچه نوشته است همان‌هایی است که خود من به او تحویل دادم. و بارها درباره آن با هم بحث کرده بودیم. جلال، نویسنده

داستان‌ها بدون استثنا – چه آنها که به‌نظم ضعیف‌اند و چه آنها که متوسط یا خوند– دنبال لایه‌ای عمیق‌تر از زندگی هستند. اگرچه هیچ‌کدام از ایده‌ها قوام نمی‌یابند یا به‌قولی تکان‌دهنده نیست. به نظر داستان‌های متوسط و ضعیف مجموعه‌اینها هستند:

راه ششیری، بند رخت، زود بود، پرواز تهران– تبریز، خانه سیاه است، هاون برنجی، نذر سید، صبری و آن مرد با اسب در باران آمد. داستان‌های خوب هم اینها هستند: سیل آورده، قناری، ما مسافر بودیم و با اغماض داستان‌های زمین خاموش و یاشار کجاست؟

اما جالب اینکه همه این داستان‌ها ارزش خواندن دارند. وقتی آنها را خواندی احساس نمی‌کنی وقت را از کف داده‌ای، هر یک از داستان‌ها فکر و احساس خاصی در منتقل می‌کنند که از خواندن آنها پشیمان نمی‌شوی. به‌نظم ملاحظت نیکی، می‌تواند نویسنده خوبی شود. چون رها از قیدوبندهای داستان‌های جنسیتی و کلیشه‌های رایج است. اگر بخواهم خیانت کنم و در راهی سخت و دشوار بیندازمش تا با جان‌کندن داستان بنویسد، توصیه می‌کنم روشِ داستان «سیل آورده» و «قناری» را دنبال کند. منظوم درخشانی دارند. با فضاسازی‌ها و نثری که آمیزه‌ای از دو فرهنگ است، فرهنگ گیلکی و ترکی که از قضا از آنها خوب هم استفاده شده. اما اگر بخواهم راه میانه را نشان بدهم که هم دنیا دارد و آخرت، روشِ «ما مسافر بودیم» را پیشنهاد می‌دهم. اگر هم بخواهم بدجنسی کنم آن هم از نوع بدش، تا نویسنده و رقیبی را از سر راه بردارم توصیه می‌کنم، داستانِ «بند رخت» را ادامه بدهد. کتاب را بارها ورق زد من عنوان دیگری برایش پیدا کنم. به‌نظم «قناری» بد نیامد. اما معمولی بود و دیدم بالاخره «محراب سانتاماریا» «باکلاس»‌تر است و هرچه نباشد آدم را یاد داستان‌های خارجی می‌اندازد.

می‌خوانند. یادم هست شعر «امید پلید»‌اش را که داد و در «نامه مردم» چاپ شد، خیلی طرفدار پیدا کرد. ✎ **دقیقا به‌همین دلیل است که می‌گویند اطلاع نداشته. همین شعر که نسخه چاپ‌نشده‌اش در شماره ۱۸ اردیبهشت ۱۳۳۲ در آن مجله چاپ شده، با انبوهی غلط چاپی منتشر شده و البته مقدمه‌ای از آقای طبری.**

نیم‌ای یکی، دو سال بعد نامه بلندی نوشت درباره همین شعر به احسان طبری. و در آخر نامه نوشته بود غلط‌ها را اصلاح کنید و تجدید چاپ کنید. خودش دوست داشت در مجله‌های حزب شعرهایش چاپ شود. چون مجله‌ها پر فروش و پرتیراژ بود و خیلی هم مخاطب داشت. حزب هم از او استقبال می‌کرد. در واقع از هر اندیشه پیش‌تر و پیش‌روی در فرهنگ استقبال می‌کرد. فعالیت حزب جوری شد که همه روشنفکران بزرگ آن زمان را خودش جذب کرد. بنما هم یکی از این افراد بود مثل خیلی‌های دیگر، مثل خود من که بعدها با حزب مخالف شد.

✎ **پس در اصل نیما یوشیج بیشتر از حزب به‌عنوان یک تریبون استفاده می‌کرد تا آتارش را منتشر کند و در معرض بنگارد و همین آغاز آشنایی و پیوستنش به حزب شد؟**

نیما را برادرش به حزب آورد و با تفکر سوسیالیستی آشنا کرد. او را به نگارستان ارژنگی برد و با رسام ارژنگی آشنا کرد، رسام ارژنگی هم فعال اصلی حزب بود…

✎ **رابطه نیما و حزب‌توده چطور بود؟**

ببینید اینها کاری به کار هم نداشتند. نیما به شکل رسمی هیچ‌وقت عضو حزب‌توده نبود. هیچ‌وقت نبود. اما تا توده بود. شعرهای نیما را همه منتشر می‌کردند. او شاعر ملی شده بود و اشعارش را همه منتشر می‌کردند. البته آن دوره‌ای که ایشان در ایران خیلی معروف بود، من در زندان بودم و به او نزدیک نبودم بعدها با نیما آشنا شدم و به منزل‌شان هم رفت‌وآمد داشتیم. سال‌های آخر عمرش را می‌گویم. اشعاری از او می‌گرفتم و در مطبوعات چاپ می‌کردیم. ما هر دو آدم‌های گوشه‌گیر و منزوی بودیم و با هم مانوس شده بودیم. نیما، شاعری بود که درد مردم داشت و در آتارش هم از دردهای اجتماعی مردم می‌گفت.

نیما کلا با حزب‌توده موافق نبود. اواخر عمرش که می‌دیدمش با کارهایی که حزب توده می‌کرد مخالف بود. البته گویا آن اوایل که من چندان با او آشنا نبودم، با حزب یا با شوروی هم رفت‌وآمدی داشت که درسته نمی‌دانم. به هر حال آن دوره‌ای که من او را شناخته بودم و رفت‌وآمدی داشتیم، نظر خوشی نسبت به حزب نداشت. تقریبا تفکرش نسبت به حزب مثل من و خلیل ملکی بود.

✎ **خاطر‌های از همنشینی‌هایتان با نیما در یاد دارید؟**

خاطرم هست که یک‌بار رقتم هائ‌اش، بعد از انشعاب بود. به من گفت، آن درخت وسط حیاط را می‌بینی. گفتیم، بله. گفت درخت چیست؟ گفتیم، نه.دمی‌نامه درخت‌است دیگر. گفت، درخت سبب که نیست؟ گفتیم، نه. گفت، اما من می‌توانم چند تا سبب آوژزش کنم؟ گفتیم، بله. گفت، اما آن که درخت سبب نمی‌شه؟ گفتیم، نه. گفت پس خیالت راحت باشه اینجا کمونیستی نمی‌شه.

✎ **دکتر خالهای در آخر بگویید پس از این همه سال بزرگ‌ترین ضعف حزب‌توده را در چه می‌بینید؟**

بزرگ‌ترین ضعف حزب‌توده و توده‌ای‌ها این بود که هیچ آزادی عملی‌ای نداشتند و قوانین به شکل حکم استبدادی به همه بدنه تزریق می‌شد. ما از آنها می‌پریدیم اگر شوروی به ایران حمله کند تکلیف ما چیست؟ باید از چه کسی حمایت کنیم؟ آنها در پاسخ به این سوال هم می‌ماندند و جوابی نداشتند. این ضعف تا دوران پس از انقلاب هم وجود داشت. دومین ضعفش هم این بود که از همان آغاز از ترس مردم به مسایلی راه داد که در کنارش قدم بزند و در دوران بعد از انقلاب به هم این تفکرات در کنار هم آمدند که اصلا با هم جور در نمی‌آمدند. و این شد که می‌بینید.



ادبیات

عطف کتاب

روایتی معتبر از عاشورا

مقتل نویسی، در تاریخ اسلام و سنت ادبیات عاشورایی، پیشینه‌ای دیرینه دارد. از زمان وقوع رویداد عاشورا تاکنون، راولان بسیاری، به شرح رویداد عاشورا پرداخته‌اند. آنچه امروز در این زمینه شایان اهمیت است، گردآوردن مجموعه‌ای معتبر از این مقتل‌هاست که از تحریراتی که در طول تاریخ ممکن است در برخی شیوه‌های مقتل نویسی اتفاق افتاده باشد به‌دور باشند و اصل مطلب را بدون حشو و زواید ارایه دهند و افسانه‌پردازی به آنها راه نیافته باشد. کتاب «چهل منزل با حسین(ع)» که از طرف نشر مجتمع فرهنگی عاشورا و به کوشش حجت‌الاسلام دکترعلی رنجبران و بسا نظرات حجت‌الاسلام دکتررسول جعفریان منتشر شده، کوششی است در این راستا و مولف در این کتاب مجموعه‌ای از مقاتل را گردآوری کرده است که به حقیقت تاریخی واقعه عاشورا نزدیک‌تر و از تحریف به‌دور هستند در مقدمه‌ناشر بر این کتاب، درباره ضرورت تدوین آثاری از این دست می‌خوانیم: «در جهت سیر تدوین این آثار تاکنون بسیاری سخن‌ها رفته و قلم‌ها زده شده، اما هنوز بسیاری از حقایق و مواقع جان‌گذاز و همچنین کم‌وکیف آن بیان نشده، یا به قلم شرح داده نشده یا مورد نقد و ارزیابی جامع و مبسوط قرار نگرفته است؛ و اینک ما به ضرورت به‌رهمندشدن بهتر از همین مجموعه‌های پرشور و در جهت اطمینان بیشتر از مطالب این آثار و برای کسب فیض از این واقعه عظمی، با مطالعه تمامی مقاتل موجود در مدت چندرسال و گزینش مطالبی از این مجلدها، مجموعه‌ای را به همت پژوهشگر موفق جناب حجت‌الاسلام دکتر علی‌اکبر رنجبران تهرانی تدارک دیده‌ایم.»

حسین (ع) با پیشگفتاری از دکتر رسول جعفریان و مقدمه‌ای از نویسنده همراه است و همچنین با «گذری اجمالی بر تاریخ مقتل‌نگاری شیعه»، در آغاز بخش‌های کتاب، به بررسی‌های عمیق و دقیق و موقیع جان‌گذاز و همچنین کم‌وکیف آن بیان نشده، یا به قلم شرح داده نشده یا مورد نقد و ارزیابی جامع و مبسوط قرار نگرفته است؛ و اینک ما به ضرورت به‌رهمندشدن بهتر از همین مجموعه‌های پرشور و در جهت اطمینان بیشتر از مطالب این آثار و برای کسب فیض از این واقعه عظمی، با مطالعه تمامی مقاتل موجود در مدت چندرسال و گزینش مطالبی از این مجلدها، مجموعه‌ای را به همت پژوهشگر موفق جناب حجت‌الاسلام دکتر علی‌اکبر رنجبران تهرانی تدارک دیده‌ایم.»

حسین (ع) با پیشگفتاری از دکتر رسول جعفریان و مقدمه‌ای از نویسنده همراه است و همچنین با «گذری اجمالی بر تاریخ مقتل‌نگاری شیعه»، در آغاز بخش‌های کتاب، به بررسی‌های عمیق و دقیق و موقیع جان‌گذاز و همچنین کم‌وکیف آن بیان نشده، یا به قلم شرح داده نشده یا مورد نقد و ارزیابی جامع و مبسوط قرار نگرفته است؛ و اینک ما به ضرورت به‌رهمندشدن بهتر از همین مجموعه‌های پرشور و در جهت اطمینان بیشتر از مطالب این آثار و برای کسب فیض از این واقعه عظمی، با مطالعه تمامی مقاتل موجود در مدت چندرسال و گزینش مطالبی از این مجلدها، مجموعه‌ای را به همت پژوهشگر موفی جناب حجت‌الاسلام دکتر علی‌اکبر رنجبران تهرانی تدارک دیده‌ایم.»

عدم آشنایی بعضی از مدیحه‌سرایان و مرثیه‌خوانان با این متون و درجه اعتبار آنها، زمینه آشنایی آنان را با متن منبع و مصدر تاریخی ناهموار کرده است و این نیز زمینه‌ساز ورود نقدهای بعدی به این جریان مبارک عربی آنها و مقابیل اینگونه نقدها به‌نظر می‌رسد، نوشتن متنی کوتاه در موضوعات مورد نیاز وقایع عاشورا و برگرفته از مقاتل معتبر است که می‌تواند راهگشای یک مرثیه‌خوان در نیاز او به محتوای مرثیه باشد. در دست‌یودن مقاتلی به شکل مجلس، که در عین اختصار، معتبر باشندند و اصل مساله را بدون حشو و زواید بیان کنند، می‌تواند کمک بسزایی به این مهم بنماید. البته باید این نقل‌ها به‌گونه‌ای بیان شود که اگر مورد اتفاق همه اصحاب تاریخ و ارباب مقاتل معتبر هم نباشد، مورد اعتنای آنان قرار گرفته باشد. آری‌سه متن متقن تر هر حادثه باشندند و اصل مساله را بدون حشو و زواید بیان کنند، می‌تواند کمک بسزایی به این مهم بنماید. البته باید این نقل‌ها به‌گونه‌ای بیان شود که اگر مورد اتفاق همه اصحاب تاریخ و ارباب مقاتل معتبر هم نباشد، مورد اعتنای آنان قرار گرفته باشد. آری‌سه متن متقن تر هر حادثه باشندند و اصل مساله را بدون حشو و زواید بیان کنند، می‌تواند کمک بسزایی به این مهم بنماید. البته باید این نقل‌ها به‌گونه‌ای بیان شود که اگر مورد اتفاق همه اصحاب تاریخ و ارباب مقاتل معتبر هم نباشد، مورد اعتنای آنان قرار گرفته باشد. آری‌سه متن متقن تر هر حادثه باشندند و اصل مساله را بدون حشو و زواید بیان کنند، می‌تواند کمک بسزایی به این مهم بنماید. البته باید این نقل‌ها به‌گونه‌ای بیان شود که اگر مورد اتفاق همه اصحاب تاریخ و ارباب مقاتل معتبر هم نباشد، مورد اعتنای آنان قرار گرفته باشد. آری‌سه متن متقن تر هر حادثه باشندند و اصل مساله را بدون حشو و زواید بیان کنند، می‌تواند کمک بسزایی به این مهم بنماید. البته باید این نقل‌ها به‌گونه‌ای بیان شود که اگر مورد اتفاق همه اصحاب تاریخ و ارباب مقاتل معتبر هم نباشد، مورد اعتنای آنان قرار گرفته باشد. آری‌سه متن متقن تر هر حادثه باشندند و اصل مساله را بدون حشو و زواید بیان کنند، می‌تواند کمک بسزایی به این مهم بنماید. البته باید این نقل‌ها به‌گونه‌ای بیان شود که اگر مورد اتفاق همه اصحاب تاریخ و ارباب مقاتل معتبر هم نباشد، مورد اعتنای آنان قرار گرفته باشد. آری‌سه متن متقن تر هر حادثه باشندند و اصل مساله را بدون حشو و زواید بیان کنند، می‌تواند کمک بسزایی به این مهم بنماید. البته باید این نقل‌ها به‌گونه‌ای بیان شود که اگر مورد اتفاق همه اصحاب تاریخ و ارباب مقاتل معتبر هم نباشد، مورد اعتنای آنان قرار گرفته باشد. آری‌سه متن متقن تر هر حادثه باشندند و اصل مساله را بدون حشو و زواید بیان کنند، می‌تواند کمک بسزایی به این مهم بنماید. البته باید این نقل‌ها به‌گونه‌ای بیان شود که اگر مورد اتفاق همه اصحاب تاریخ و ارباب مقاتل معتبر هم نباشد، مورد اعتنای آنان قرار گرفته باشد. آری‌سه متن متقن تر هر حادثه باشندند و اصل مساله را بدون حشو و زواید بیان کنند، می‌تواند کمک بسزایی به این مهم بنماید. البته باید این نقل‌ها به‌گونه‌ای بیان شود که اگر مورد اتفاق همه اصحاب تاریخ و ارباب مقاتل معتبر هم نباشد، مورد اعتنای آنان قرار گرفته باشد. آری‌سه متن متقن تر هر حادثه باشندند و اصل مساله را بدون حشو و زواید بیان کنند، می‌تواند کمک بسزایی به این مهم بنماید. البته باید این نقل‌ها به‌گونه‌ای بیان شود که اگر مورد اتفاق همه اصحاب تاریخ و ارباب مقاتل معتبر هم نباشد، مورد اعتنای آنان قرار گرفته باشد. آری‌سه متن متقن تر هر حادثه باشندند و اصل مساله را بدون حشو و زواید بیان کنند، می‌تواند کمک بسزایی به این مهم بنماید. البته باید این نقل‌ها به‌گونه‌ای بیان شود که اگر مورد اتفاق همه اصحاب تاریخ و ارباب مقاتل معتبر هم نباشد، مورد اعتنای آنان قرار گرفته باشد. آری‌سه متن متقن تر هر حادثه باشندند و اصل مساله را بدون حشو و زواید بیان کنند، می‌تواند کمک بسزایی به این مهم بنماید. البته باید این نقل‌ها به‌گونه‌ای بیان شود که اگر مورد اتفاق همه اصحاب تاریخ و ارباب مقاتل معتبر هم نباشد، مورد اعتنای آنان قرار گرفته باشد. آری‌سه متن متقن تر هر حادثه باشندند و اصل مساله را بدون حشو و زواید بیان کنند، می‌تواند کمک بسزایی به این مهم بنماید. البته باید این نقل‌ها به‌گونه‌ای بیان شود که اگر مورد اتفاق همه اصحاب تاریخ و ارباب مقاتل معتبر هم نباشد، مورد اعتنای آنان قرار گرفته باشد. آری‌سه متن متقن تر هر حادثه باشندند و اصل مساله را بدون حشو و زواید بیان کنند، می‌تواند کمک بسزایی به این مهم بنماید. البته باید این نقل‌ها به‌گونه‌ای بیان شود که اگر مورد اتفاق همه اصحاب تاریخ و ارباب مقاتل معتبر هم نباشد، مورد اعتنای آنان قرار گرفته باشد. آری‌سه متن متقن تر هر حادثه باشندند و اصل مساله را بدون حشو و زواید بیان کنند، می‌تواند کمک بسزایی به این مهم بنماید. البته باید این نقل‌ها به‌گونه‌ای بیان شود که اگر مورد اتفاق همه اصحاب تاریخ و ارباب مقاتل معتبر هم نباشد، مورد اعتنای آنان قرار گرفته باشد. آری‌سه متن متقن تر هر حادثه باشندند و اصل مساله را بدون حشو و زواید بیان کنند، می‌تواند کمک بسزایی به این مهم بنماید. البته باید این نقل‌ها به‌گونه‌ای بیان شود که اگر مورد اتفاق همه اصحاب تاریخ و ارباب مقاتل معتبر هم نباشد، مورد اعتنای آنان قرار گرفته باشد. آری‌سه متن متقن تر هر حادثه باشندند و اصل مساله را بدون حشو و زواید بیان کنند، می‌تواند کمک بسزایی به این مهم بنماید. البته باید این نقل‌ها به‌گونه‌ای بیان شود که اگر مورد اتفاق همه اصحاب تاریخ و ارباب مقاتل معتبر هم نباشد، مورد اعتنای آنان قرار گرفته باشد. آری‌سه متن متقن تر هر حادثه باشندند و اصل مساله را بدون حشو و زواید بیان کنند، می‌تواند کمک بسزایی به این مهم بنماید. البته باید این نقل‌ها به‌گونه‌ای بیان شود که اگر مورد اتفاق همه اصحاب تاریخ و ارباب مقاتل معتبر هم نباشد، مورد اعتنای آنان قرار گرفته باشد. آری‌سه متن متقن تر هر حادثه باشندند و اصل مساله را بدون حشو و زواید بیان کنند، می‌تواند کمک بسزایی به این مهم بنماید. البته باید این نقل‌ها به‌گونه‌ای بیان شود که اگر مورد اتفاق همه اصحاب تاریخ و ارباب مقاتل معتبر هم نباشد، مورد اعتنای آنان قرار گرفته باشد. آری‌سه متن متقن تر هر حادثه باشندند و اصل مساله را بدون حشو و زواید بیان کنند، می‌تواند کمک بسزایی به این مهم بنماید. البته باید این نقل‌ها به‌گونه‌ای بیان شود که اگر مورد اتفاق همه اصحاب تاریخ و ارباب مقاتل معتبر هم نباشد، مورد اعتنای آنان قرار گرفته باشد. آری‌سه متن متقن تر هر حادثه باشندند و اصل مساله را بدون حشو و زواید بیان کنند، می‌تواند کمک بسزایی به این مهم بنماید. البته باید این نقل‌ها به‌گونه‌ای بیان شود که اگر مورد اتفاق همه اصحاب تاریخ و ارباب مقاتل معتبر هم نباشد، مورد اعتنای آنان قرار گرفته باشد. آری‌سه متن متقن تر هر حادثه باشندند و اصل مساله را بدون حشو و زواید بیان کنند، می‌تواند کمک بسزایی به این مهم بنماید. البته باید این نقل‌ها به‌گونه‌ای بیان شود که اگر مورد اتفاق همه اصحاب تاریخ و ارباب مقاتل معتبر هم نباشد، مورد اعتنای آنان قرار گرفته باشد. آری‌سه متن متقن تر هر حادثه باشندند و اصل مساله را بدون حشو و زواید بیان کنند، می‌تواند کمک بسزایی به این مهم بنماید. البته باید این نقل‌ها به‌گونه‌ای بیان شود که اگر مورد اتفاق همه اصحاب تاریخ و ارباب مقاتل معتبر هم نباشد، مورد اعتنای آنان قرار گرفته باشد. آری‌سه متن متقن تر هر حادثه باشندند و اصل مساله را بدون حشو و زواید بیان کنند، می‌تواند کمک بسزایی به این مهم بنماید. البته باید این نقل‌ها به‌گونه‌ای بیان شود که اگر مورد اتفاق همه اصحاب تاریخ و ارباب مقاتل معتبر هم نباشد، مورد اعتنای آنان قرار گرفته باشد. آری‌سه متن متقن تر هر حادثه باشندند و اصل مساله را بدون حشو و زواید بیان کنند، می‌تواند کمک بسزایی به این مهم بنماید. البته باید این نقل‌ها به‌گونه‌ای بیان شود که اگر مورد اتفاق همه اصحاب تاریخ و ارباب مقاتل معتبر هم نباشد، مورد اعتنای آنان قرار گرفته باشد. آری‌سه متن متقن تر هر حادثه باشندند و اصل مساله را بدون حشو و زواید بیان کنند، می‌تواند کمک بسزایی به این مهم بنماید. البته باید این نقل‌ها به‌گونه‌ای بیان شود که اگر مورد اتفاق همه اصحاب تاریخ و ارباب مقاتل معتبر هم نباشد، مورد اعتنای آنان قرار گرفته باشد. آری‌سه متن متقن تر هر حادثه باشندند و اصل مساله را بدون حشو و زواید بیان کنند، می‌تواند کمک بسزایی به این مهم بنماید. البته باید این نقل‌ها به‌گونه‌ای بیان شود که اگر مورد اتفاق همه اصحاب تاریخ و ارباب مقاتل معتبر هم نباشد، مورد اعتنای آنان قرار گرفته باشد. آری‌سه متن متقن تر هر حادثه باشندند و اصل مساله را بدون حشو و زواید بیان کنند، می‌تواند کمک بسزایی به این مهم بنماید. البته باید این نقل‌ها به‌گونه‌ای بیان شود که اگر مورد اتفاق همه اصحاب تاریخ و ارباب مقاتل معتبر هم نباشد، مورد اعتنای آنان قرار گرفته باشد. آری‌سه متن متقن تر هر حادثه باشندند و اصل مساله را بدون حشو و زواید بیان کنند، می‌تواند کمک بسزایی به این مهم بنماید. البته باید این نقل‌ها به‌گونه‌ای بیان شود که اگر مورد اتفاق همه اصحاب تاریخ و ارباب مقاتل معتبر هم نباشد، مورد اعتنای آنان قرار گرفته باشد. آری‌سه متن متقن تر هر حادثه باشندند و اصل مساله را بدون حشو و زواید بیان کنند، می‌تواند کمک بسزایی به این مهم بنماید. البته باید این نقل‌ها به‌گونه‌ای بیان شود که اگر مورد اتفاق همه اصحاب تاریخ و ارباب مقاتل معتبر هم نباشد، مورد اعتنای آنان قرار گرفته باشد. آری‌سه متن متقن تر هر حادثه باشندند و اصل مساله را بدون حشو و زواید بیان کنند، می‌تواند کمک بسزایی به این مهم بنماید. البته باید این نقل‌ها به‌گونه‌ای بیان شود که اگر مورد اتفاق همه اصحاب تاریخ و ارباب مقاتل معتبر هم نباشد، مورد اعتنای آنان قرار گرفته باشد. آری‌سه متن متقن تر هر حادثه باشندند و اصل مساله را بدون حشو و زواید بیان کنند، می‌تواند کمک بسزایی به این مهم بنماید. البته باید این نقل‌ها به‌گونه‌ای بیان شود که اگر مورد اتفاق همه اصحاب تاریخ و ارباب مقاتل معتبر هم نباشد، مورد اعتنای آنان قرار گرفته باشد. آری‌سه متن متقن تر هر حادثه باشندند و اصل مساله را بدون حشو و زواید بیان کنند، می‌تواند کمک بسزایی به این مهم بنماید. البته باید این نقل‌ها به‌گونه‌ای بیان شود که اگر مورد اتفاق همه اصحاب تاریخ و ارباب مقاتل معتبر هم نباشد، مورد اعتنای آنان قرار گرفته باشد. آری‌سه متن متقن تر هر حادثه باشندند و اصل مساله را بدون حشو و زواید بیان کنند، می‌تواند کمک بسزایی به این مهم بنماید. البته باید این نقل‌ها به‌گونه‌ای بیان شود که اگر مورد اتفاق همه اصحاب تاریخ و ارباب مقاتل معتبر هم نباشد، مورد اعتنای آنان قرار گرفته باشد. آری‌سه متن متقن تر هر حادثه باشندند و اصل مساله را بدون حشو و زواید بیان کنند، می‌تواند کمک بسزایی به این مهم بنماید. البته باید این نقل‌ها به‌گونه‌ای بیان شود که اگر مورد اتفاق همه اصحاب تاریخ و ارباب مقاتل معتبر هم نباشد، مورد اعتنای آنان قرار گرفته باشد. آری‌سه متن متقن تر هر حادثه باشندند و اصل مساله را بدون حشو و زواید بیان کنند، می‌تواند کمک بسزایی به این مهم بنماید. البته باید این نقل‌ها به‌گونه‌ای بیان شود که اگر مورد اتفاق همه اصحاب تاریخ و ارباب مقاتل معتبر هم نباشد، مورد اعتنای آنان قرار گرفته باشد. آری‌سه متن متقن تر هر حادثه باشندند و اصل مساله را بدون حشو و زواید بیان کنند، می‌تواند کمک بسزایی به این مهم بنماید. البته باید این نقل‌ها به‌گونه‌ای بیان شود که اگر مورد اتفاق همه اصحاب تاریخ و ارباب مقاتل معتبر هم نباشد، مورد اعتنای آنان قرار گرفته باشد. آری‌سه متن متقن تر هر حادثه باشندند و اصل مساله را بدون حشو و زواید بیان کنند، می‌تواند کمک بسزایی به این مهم بنماید. البته باید این نقل‌ها به‌گونه‌ای بیان شود که اگر مورد اتفاق همه اصحاب تاریخ و ارباب مقاتل معتبر هم نباشد، مورد اعتنای آنان قرار گرفته باشد. آری‌سه متن متقن تر هر حادثه باشندند و اصل مساله را بدون حشو و زواید بیان کنند، می‌تواند کمک بسزایی به این مهم بنماید. البته باید این نقل‌ها به‌گونه‌ای بیان شود که اگر مورد اتفاق همه اصحاب تاریخ و ارباب مقاتل معتبر هم نباشد، مورد اعتنای آنان قرار گرفته باشد. آری‌سه متن متقن تر هر حادثه باشندند و اصل مساله را بدون حشو و زواید بیان کنند، می‌تواند کمک بسزایی به این مهم بنماید. البته باید این نقل‌ها به‌گونه‌ای بیان شود که اگر مورد اتفاق همه اصحاب تاریخ و ارباب مقاتل معتبر هم نباشد، مورد اعتنای آنان قرار گرفته باشد. آری‌سه متن متقن تر هر حادثه باشندند و اصل مساله را بدون حشو و زواید بیان کنند، می‌تواند کمک بسزایی به این مهم بنماید. البته باید این نقل‌ها به‌گونه‌ای بیان شود که اگر مورد اتفاق همه اصحاب تاریخ و ارباب مقاتل معتبر هم نباشد، مورد اعتنای آنان قرار گرفته باشد. آری‌سه متن متقن تر هر حادثه باشندند و اصل مساله را بدون حشو و زواید بیان کنند، می‌تواند کمک بسزایی به این مهم بنماید. البته باید این نقل‌ها به‌گونه‌ای بیان شود که اگر مورد اتفاق همه اصحاب تاریخ و ارباب مقاتل معتبر هم نباشد، مورد اعتنای آنان قرار گرفته باشد. آری‌سه متن متقن تر هر حادثه باشندند و اصل مساله را بدون حشو و زواید بیان کنند، می‌تواند کمک بسزایی به این مهم بنماید. البته باید این نقل‌ها به‌گونه‌ای بیان شود که اگر مورد اتفاق همه اصحاب تاریخ و ارباب مقاتل معتبر هم نباشد، مورد اعتنای آنان قرار گرفته باشد. آری‌سه متن متقن تر هر حادثه باشندند و اصل مساله را بدون حشو و زواید بیان کنند، می‌تواند کمک بسزایی به این مهم بنماید. البته باید این نقل‌ها به‌گونه‌ای بیان شود که اگر مورد اتفاق همه اصحاب تاریخ و ارباب مقاتل معتبر هم نباشد، مورد اعتنای آنان قرار گرفته باشد. آری‌سه متن متقن تر هر حادثه باشندند و اصل مساله را بدون حشو و زواید بیان کنند، می‌تواند کمک بسزایی به این مهم بنماید. البته باید این نقل‌ها به‌گونه‌ای بیان شود که اگر مورد اتفاق همه اصحاب تاریخ و ارباب مقاتل معتبر هم نباشد، مورد اعتنای آنان قرار گرفته باشد. آری‌سه متن متقن تر هر حادثه باشندند و اصل مساله را بدون حشو و زواید بیان کنند، می‌تواند کمک بسزایی به این مهم بنماید. البته باید این نقل‌ها به‌گونه‌ای بیان شود که اگر مورد اتفاق همه اصحاب تاریخ و ارباب مقاتل معتبر هم نباشد، مورد اعتنای آنان قرار گرفته باشد. آری‌سه متن متقن تر هر حادثه باشندند و اصل مساله را بدون حشو و زواید بیان کنند، می‌تواند کمک بسزایی به این مهم بنماید. البته باید این نقل‌ها به‌گونه‌ای بیان شود که اگر مورد اتفاق همه اصحاب تاریخ و ارباب مقاتل معتبر هم نباشد، مورد اعتنای آنان قرار گرفته باشد. آری‌سه متن متقن تر هر حادثه باشندند و اصل مساله را بدون حشو و زواید بیان کنند، می‌تواند کمک بسزایی به این مهم بنماید. البته باید این نقل‌ها به‌گونه‌ای بیان شود که اگر مورد اتفاق همه اصحاب تاریخ و ارباب مقاتل معتبر هم نباشد، مورد اعتنای آنان قرار گرفته باشد. آری‌سه متن متقن تر هر حادثه باشندند و اصل مساله را بدون حشو و زواید بیان کنند، می‌تواند کمک بسزایی به این مهم بنماید. البته باید این نقل‌ها به‌گونه‌ای بیان شود که اگر مورد اتفاق همه اصحاب تاریخ و ارباب مقاتل معتبر هم نباشد، مورد اعتنای آنان قرار گرفته باشد. آری‌سه متن متقن تر هر حادثه باشندند و اصل مساله را بدون حشو و زواید بیان کنند، می‌تواند کمک بسزایی به این مهم بنماید. البته باید این نقل‌ها به‌گونه‌ای بیان شود که اگر مورد اتفاق همه اصحاب تاریخ و ارباب مقاتل معتبر هم نباشد، مورد اعتنای آنان قرار گرفته باشد. آری‌سه متن متقن تر هر حادثه باشندند و اصل مساله را بدون ح